

Systematic Review and Meta-Synthesis of Studies on Why the System of Psychology

Amin Tarahomiasl (Master of General Psychology, Shandiz Institute of Higher Education,

tarahomiasl@gmail.com)

Seyed Iman Qutb (Department of Psychology, Shandiz Institute of Higher Education, imanga10@gmail.com)

Mohamadreza Salarifar (Field and University Research Institute, salarifar@rihu.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/12/2

Accepted: 2022/6/18

Key Words:

Islamic Psychology,

Islam and Psychology,

Quran and Psychology,

Psychology with an Islamic approach,

the system of psychology

ABSTRACT

Given the large population of people who build psychological services in line with their particular belief-cultural contexts as well as Islamic debates, the creation of an "the system of psychology" is felt. Examining the reasons why the system has several benefits: 1) Criticism with the integration of the essentials 2) Determining the direction of movement 3) Withdrawal or those interested in continuing this path. This certainty and the existence of a large number of topics in this subject, requires research with a systematic review method and metasynthesis. "Systematic review" is the method of finding all the information on a particular topic; "Metasynthesis" is a method that compares the results of qualitative research, comparing their differences and similarities. The result of a systematic review of the above research was the identification of 37 journals and 33 professors, whose research archives and works revealed 60 books, 700 articles, and 18 roundtables. After deleting the unrelated documents, 3 books, 14 articles, 7 interviews and 14 roundtables were left, which were summarized, coded, categorized, integrated and rewritten by the meta-combined method. The results of the study showed that two categories have been answered: "psychological deficiencies" and "insights of Islamic psychology". "Inefficiency", "value-orientation" were examined. The findings of the entries were discussed under five headings: "Existing Psychological Opportunities", "Existence of Religious Psychological Education", "The Need for Comprehensive and Unified Deepening", "Islamic Sociology" and "The Benefits of Localization".

مرور نظام‌مند و متاسنتز مطالعات مربوط به چرایی مکتب روان‌شناسی اسلامی^۱

امین ترحمی اصل (نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزش عالی شان‌دیز؛ tarahomiasl@gmail.com)

سیدایمان قطب (گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزش عالی شان‌دیز، استادیار، دکترای تخصصی؛ imanga10@gmail.com)

محمد رضا سالاری فر (گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، استادیار، دکترای تخصصی؛ salarifar@rihu.ac.ir)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

واژگان کلیدی:

روان‌شناسی اسلامی،

مکتب،

مرور نظام‌مند،

متاسنتز،

مطالعات روان‌شناسی با رویکرد

اسلامی

چکیده

مسلمانان همخوان با زمینه‌های اعتقادی-فرهنگی، خدمات روان‌شناختی ویژه‌ای را طلب می‌کنند؛ همچنین تفاوت مبانی اسلامی با مبانی روان‌شناسی لزوم تأسیس «مکتب روان‌شناسی اسلامی» را قطعی می‌کند. بررسی چرایی مکتب به تسهیل نقد و بررسی با یکپارچه شدن ضرورت‌ها، مشخص شدن جهت حرکت و نیز انصراف یا اطمینان علاقه‌مندان از ادامه این مسیر کمک می‌کند؛ همچنین کثرت داده‌ها در این موضوع، پژوهشی با روش مرور نظام‌مند و متاسنتز را ضروری می‌سازد. «مرور نظام‌مند» روش قاعده‌مندی برای یافتن همه اطلاعات موجود در یک موضوع خاص می‌باشد. «متاسنتز» روشی است که با تلفیق نتایج پژوهش‌های کیفی، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها با هم مقایسه می‌شود. نتیجه مرور نظام‌مند این پژوهش شناسایی ۳۷ نشریه و ۳۳ استاد بود که از بررسی آرشیو و آثار ایشان ۶۰ کتاب، ۷۰۰ مقاله، ۱۸ میزگرد استخراج شد؛ پس از حذف اسناد نامرتب؛ ۳ کتاب، ۱۴ مقاله، ۷ مصاحبه و ۱۴ میزگرد با روش فراترکیب؛ تلخیص، کدگذاری، دسته‌بندی، یکپارچه‌سازی و بازنویسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که به چرایی دو دسته پاسخ داده شده است: «کاستی‌های روان‌شناسی» و «درونداشت‌های مکتب روان‌شناسی اسلامی». کاستی‌های روان‌شناسی در شش سرفصل «وجود سوگیری»، «خطای مبانی»، «ناسازگاری فرهنگی اعتقادی»، «محدودیت و انحصار روشمندی»، «ناکارآمدی»، «ارزش‌مداری» قرار می‌گیرد. درونداشته‌ها نیز در پنج سرفصل «فرصت‌های روان‌شناسی موجود»، «وجود معارف روان‌شناختی دینی»، «لزوم تحقق رویکرد جامع و واحد»، «جامعه‌سازی اسلامی» و «منافع بومی‌سازی» است.

بیان مسئله

روان‌شناسی اسلامی با مطالعه دقیق و علمی منابع اسلامی ابعاد روان‌شناختی آنها را کشف و ایده‌هایی برای دانش روان‌شناسی استخراج می‌کند تا با گذراندن مراحل به نظریه‌های علمی تبدیل شوند؛ همچنین هرچند در مطالعه متون دینی، روش علمی پژوهش در علوم نقلی را به‌کار می‌بندد، اما با روش‌های معتبر تجربی مخالف نیست و کاربست آن را ضروری می‌داند (پسندیده، ۱۳۹۴). می‌توان واژه مکتب را مساوی واژه «سیستم»^۱ دانست که آن را نظریه‌هایی از روان‌شناسی می‌دانند که دارای جامعیت‌اند و مجموعه مفاهیم منسجمی را در کنار هم ارائه می‌کنند (همانند رشد، شخصیت و...); بنابراین مکتب روان‌شناسی معادل «the system of psychology» است (کاوایانی، ۱۳۹۷).

پژوهش در چرایی مکتب روان‌شناسی اسلامی به جهات زیر ضروری است: ۱. کتاب‌ها، مقالات و آثار علمی فراوان در تبیین مکتب روان‌شناسی اسلامی منتشر شده است؛ مرور نظام‌مند، همه اطلاعات مربوط به آن را گرد هم آورده و با ترکیب و یکپارچه‌سازی آن تصویری کامل ارائه می‌دهد؛ ۲. ارائه تصویری کامل ساختاری برای نقد و بررسی آن ایجاد می‌کند؛ ۳. پاسخ به چرایی، سمت‌وسوی حرکت مکتب و ماهیت اندیشه علاقه‌مندان را روشن می‌کند؛ ۴. اگر دلایل مروجان مکتب اقناع‌کننده باشد، پژوهشگران با استواری در این مسیر گام برمی‌دارند و گرنه انرژی خود را در پی آن نمی‌بازند.

روش پژوهش

این تحقیق بر مبنای هدف «بنیادی»، براساس نوع داده «کیفی»، بنابر نحوه گردآوری داده‌ها «مرور نظام‌مند» و به فراخور تجزیه و تحلیل داده‌ها «فرا ترکیب» به شمار می‌رود. مرور نظام‌مند^۲ خلاصه‌ای است از بهترین شواهد موجود که به پرسش‌های دقیق پاسخ می‌دهد و دارای ویژگی‌هایی همچون تنظیم شیوه‌نامه،^۳ جست‌وجوی جامع،^۴ معیارهای ورود و خروج،^۵ ارزیابی انتقادی^۶ و ترکیب است (آویارد،^۷

۲۰۱۰، ص ۳۳-۳۶) که این مراحل را شامل می‌شود: تعیین سؤال، تنظیم قرارداد، جستجوی متون، استخراج داده‌ها، ارزیابی کیفیت، ارائه و تحلیل یافته‌های مرور، بحث و نتیجه‌گیری. برای تفسیر یافته‌های مرور دو رویکرد وجود دارد: رویکرد کمی که یافته‌ها و تفسیر نتایج در بخش‌های جداگانه‌ای ذکر می‌شوند. رویکرد کیفی که محقق در کنار ارائه یافته‌ها در مورد آن بحث می‌کند. فراترکیب^۸ روشی است که پژوهش‌های کیفی در هم تلفیق شده، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها مقایسه می‌شود، به‌گونه‌ای پس از ترجمان یافته‌ها، تفسیری نواز آن به‌دست می‌آید؛ این تفسیر می‌تواند به توضیح جامع‌تر پدیده مورد نظر و ارائه نظریه‌های جدید بینجامد (جلالی، ۱۳۹۴). آویارد (۲۰۱۰، ص ۲۰۳) براساس روش‌های ابداع شده به‌وسیله نوبلیت و هیر^۹ (۱۹۸۸) و پترسون^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۱) این مراحل را برای فراترکیب پیشنهاد می‌دهد: خلاصه‌سازی متون، مقایسه و تقابل نتایج، کدگذاری، ایجاد موضوعات، مقایسه موضوعات، بررسی دقیق موضوعات، بررسی موضوعات متناقض، توصیف نقاط قوت و ضعف موضوعات، نام‌گذاری موضوعات، نگارش تحلیل و ارائه یافته‌های مرور؛ همچنین اگر در روند تلخیص متون یکی از اسناد نسبت به بقیه مفیدتر به نظر برسد، می‌توان این سند را «منبع شاخص» نام داد و براساس آن سایر متون را قضاوت کرد.

پژوهش یادشده در پنج مرحله صورت گرفت: پس از تعیین سؤال تحقیق، شیوه‌نامه تدوین شد، براساس قواعد شیوه‌نامه جستجوی نظام‌مند آغاز گردید، پس از شناسایی حجم زیادی از مطالعات، موارد مرتبط «انتخاب» شد، آثار منتخب مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفت و تعدادی حذف شد، درنهایت نیز متون باقیمانده باهم ترکیب و بازنویسی شد و این متن یکپارچه با عنوان «ارائه و تحلیل یافته‌های مرور» ارائه گردید.^{۱۱}

۱. تنظیم شیوه‌نامه پژوهش

الف) معیارهای ورود مطالعات: مطالعاتی که تا پایان شهریورماه ۱۳۹۸ در حوزه ضرورت روان‌شناسی اسلامی در ایران و به زبان

1. system
2. Systematic review
3. protocol
4. searching strategy
5. inclusion and exclusion criteria
6. critical appraisal

۱۱. روشمندی پژوهش در مقاله مستقلی در دست انتشار است.

در نهایت نتیجه جستجو شناسایی ۳۷ نشریه، ۳۳ استاد، ۷۰۰ مقاله، ۶۰ کتاب و یک برنامه رادیویی بود.

۳. **انتخاب مطالعات:** در فرایند جستجو صدها اثر با عناوین مرتبط به سؤال پژوهش شناسایی شدند که در موضوعات مختلفی نوشته شده بودند، از بین این حجم بسیار بالا جمعاً ۳۲ عنوان مقاله و ۳۳ جلد کتاب برگزیده شدند. آثار صوتی در معیارهای ورود وجود نداشت، اما در بررسی یکی از کتاب‌ها مشخص شد مطالب آن برگرفته از یک «برنامه رادیویی» است، چون یکی از اصول اولیه مرور نظام‌مند استناد به «منابع اولیه» است. این منبع به صورت ویژه به پژوهش افزوده شد.

۴. **ارزیابی کیفی اسناد:** پس از جستجویی که درخصوص «ابزار ارزیابی انتقادی» انجام گرفت، ابزار مفیدی یافت نشد؛ بنابراین نسبت به ابداع و طراحی آن اقدام شد. پس از ارزیابی ۱۴ مقاله، ۷ مصاحبه مکتوب، ۳ کتاب و ۱۴ جلسه از برنامه رادیویی در روند مرور باقی ماندند. (ر.ک: جداول ۱ تا ۴).

۵. **تلفیق نتایج و ارائه یافته‌ها:** الف) نخست متون خلاصه شد. ب) با بررسی چک‌لیست ارزیابی انتقادی مشخص شد کتاب «نگاهی به روان‌شناسی اسلامی» بیشترین مباحث را درباره سؤال تحقیق را داراست؛ بنابراین به‌عنوان منبع شاخص انتخاب شد. ج) با توجه به محتوای اثر شاخص کدگذاری موضوعی انجام و رئوس مباحث مشخص شد. د) با توجه به موضوعات اصلی نسبت به کدگذاری متون خلاصه‌شده اقدام شد. ه) به‌منظور کنترل اطلاعات و تسریع در یافتن مباحث مربوط به هم، چک‌لیست ترکیب به صورت خلاصه طراحی گردید. و) چک‌لیست ترکیب نشان‌دهنده سرفصل‌های استفاده‌شده از هر منبع در پژوهش است؛ با این روش گردآوری مطالب پراکنده اما هم‌موضوع به راحتی انجام شد (ر.ک: جداول ۱ تا ۴). ز) نگارش متن به‌منظور یکپارچه‌سازی اطلاعات شروع شد. ک) برای هر بخش عناوین خلاصه‌ای انتخاب شد.

۶. **بحث و نتیجه‌گیری:** به فراخور ماهیت تحقیق، رویکرد کیفی برگزیده و ارائه یافته‌های مرور و تحلیل آن به صورت آمیخته انجام گردید، البته بخش مستقل کوتاهی برای طرح خلاصه بحث و نتیجه‌گیری در نظر گرفته شد.

فارسی ترجمه یا منتشر شده و متن کامل آنها در دسترس می‌باشد. کلیه کتاب‌ها، مقاله‌های علمی، پژوهشی، ترویجی، کنفرانسی، آموزشی و مصاحبه‌های مکتوب. پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد منتشر شده در ایراندک. تنها متون کیفی و نظری مرتبط (یک برنامه رادیویی).

ب) معیارهای خروج مطالعات: تحقیقاتی که در حوزه‌ای غیر از چرایی روان‌شناسی اسلامی بحث کرده، به زبانی غیرفارسی و در خارج از ایران منتشر شده باشد. پس از شهریورماه ۱۳۹۸ منتشر شده‌اند. با روش‌های کمی باشد. دسترسی به متن کامل آنها ممکن نباشد و مطالعاتی که در فرایند ارزیابی انتقادی حذف شوند.

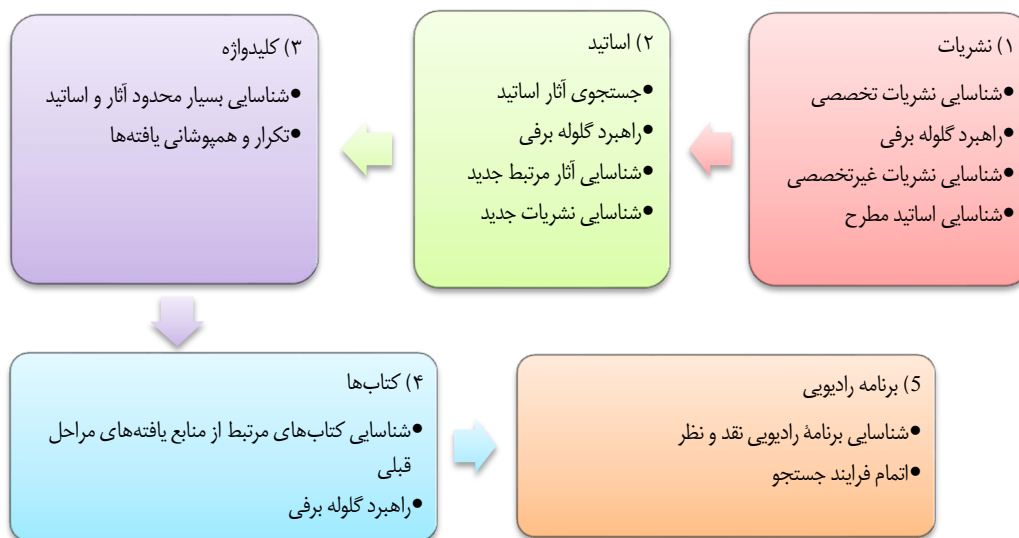
ج) کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی اسلامی، اسلام و روان‌شناسی، روان‌شناسی و اسلام، قرآن و روان‌شناسی، روان‌شناسی و قرآن، روان‌شناسی با رویکرد اسلامی.

د) سایت‌های مرجع: پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه مرکز علمی اطلاعات جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، نمایه استنادی علوم ایران، پایگاه مجلات تخصصی نور، مرجع دانش، پژوهشگاه علوم و فناوری مطالعات ایران.

ه) راهبردهای جستجو: جستجوی آرشیو نشریه‌های تخصصی روان‌شناسی اسلامی، جستجوی آرشیو آثار اساتید حوزه روان‌شناسی اسلامی، جستجوی کلیدواژه‌های تعیین‌شده در سایت‌های مرجع، جستجوی کتاب‌هایی که در حوزه روان‌شناسی اسلامی منتشر شده است، استفاده از راهبرد «گلوله برفی» (فرایند جستجوی نظام‌مند در شکل ۱ نشان داده شده است). و) ابزارها: نرم‌افزار مندلی دسکتاپ^۱، ابزار ارزیابی انتقادی به‌منظور یک‌دستی کیفی مطالعات شناسایی شده، چک‌لیست ترکیب به‌منظور سهولت در ترکیب اطلاعات و افزایش کنترل بر روی متون.

۲. **جستجو و یافتن مطالعات:** جستجوی نظام‌مند در تحقیق حاضر، فرایند رفت و برگشتی پویا بین چهار راهبرد جستجوی «آرشیو نشریات»، «آثار اساتید»، «جستجوی کلیدواژه‌ای» و «کتاب‌ها» بود. اعمال راهبردهای بالا سبب اطمینان از کفایت جستجو شد، زیرا نتایج مراحل پایانی جستجو تکراری بودند.

1. mendeley desktop



شکل ۱: فرآیند جستجوی نظام‌مند

جدول ۱: فهرست نهایی مقالات منتخب (خلاصه چک لیست ترکیب)

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	سال انتشار	کاستی‌ها							درونداشت‌ها			
				وجود سوگیری	خطای مبانی	ناسازگاری فرهنگی	محدودیت روشمندی	ناکارآمدی	ارزش‌مندی	فرصت‌های روان‌شناسی		معارف روان‌شناختی	لزوم رویکرد واحد	جامعه‌سازی اسلامی
۱	مواردی چند از وجوه افتراق بین روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی غربی	سزندی	۷۴	*	*				*					
۲	بررسی مکتب روان‌شناسی به‌عنوان مکتب روان‌شناسی واقع‌بینانه، معیار و هماهنگ‌کننده و لزوم آشنائی دانشجویان با آن	حسینی	۷۹	*	*					*				
۳	روان‌شناسی اسلامی: آیا امکان‌پذیر است؟	لطفی	۸۰	*	*	*					*			
۴	زیربناهای نظری روان‌شناسی اسلامی: تاریخچه راه دستیابی	حسینی	۸۲	*	*						*			
۵	روان‌شناسی و دین: ضرورت رویکردی جدید	دلپا و شیری	۸۳	*	*	*			*		*			
۶	به سوی روان‌شناسی اسلامی	یعقوب	۸۳	*	*	*			*		*			
۷	ضرورت طرح اندیشه اسلامی در روان‌شناسی	کلاتری و همکاران	۸۳	*	*	*					*			
۸	روش و مراحل پایه‌گذاری روان‌شناسی بر اساس اسلام	نجاتی	۸۵	*	*	*								
۹	به سوی اسلامی‌سازی روان‌شناسی	رفقی عیسی	۸۵	*	*	*								
۱۰	ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی‌سازی روان‌شناسی در کشور جمهوری اسلامی ایران	غباری‌بناب	۸۹	*	*	*	*		*		*			
۱۱	کاستی‌های دانش روان‌شناسی در ایران	آذربایجانی	۹۱	*	*	*			*		*			
۱۲	روان‌شناسی با رویکرد اسلامی به جای روان‌شناسی اسلامی	اعتمادی‌نیا و احمدی	۹۵	*	*	*			*		*			
۱۳	دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان یک مکتب	کاویانی	۹۷	*	*	*					*			
۱۴	ضرورت تأسیس روان‌شناسی واحد در چارچوب رویکرد اسلامی	مصباح و ابوترابی	۹۸	*	*	*			*		*			

جدول ۲: فهرست نهایی مصاحبه‌های منتخب (خلاصه چک لیست ترکیب)

ر	عنوان مصاحبه مکتوب	استاد	سال	کاستی‌ها							دروناشت‌ها				
				وجود سوگیری	خطای مبانی	ناسازگاری فرهنگی	محدودیت روشمندی	ناکارآمدی	ارزش‌مداری	فرصت‌های روان‌شناسی	معارف روان‌شناختی	لزوم رویکرد واحد	جامعه‌سازی اسلامی	منافع بومی‌سازی	
۱	پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی ۱	غروی	۶۶	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی ۲	غروی	۶۷	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	روشمندی و شرایط تحقیق در روان‌شناسی و خلأهای موجود در تدوین روان‌شناسی اسلامی	غروی	۷۵	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	بحثی پیرامون روان‌شناسی اسلامی	غروی	۸۰	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	مناسبات روان‌شناسی و علوم اسلامی	غروی و آذربایجانی	۸۵	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	مصاحبه نشریه روان‌شناسی با استاد غروی	غروی	۸۶	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۷	افق روشن روان‌شناسی اسلامی	آذربایجانی	۸۹	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

جدول ۳: فهرست نهایی کتاب‌های منتخب (خلاصه چک لیست ترکیب)

ر	عنوان کتاب	نویسنده	سال	کاستی‌ها							دروناشت‌ها				
				وجود سوگیری	خطای مبانی	ناسازگاری فرهنگی	محدودیت روشمندی	ناکارآمدی	ارزش‌مداری	فرصت‌های روان‌شناسی	معارف روان‌شناختی	لزوم رویکرد واحد	جامعه‌سازی اسلامی	منافع بومی‌سازی	
۱	فطرت بنیان روان‌شناسی اسلامی	احمدی	۶۲	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	کتاب‌شناسی توصیفی تحلیلی اسلام و روان‌شناسی	رفیعی	۸۵	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	نگاهی به روان‌شناسی اسلامی	فرقانی و همکاران	۹۶	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

جدول ۴: فهرست نهایی جلسات منتخب برنامه نقدونظر (خلاصه چک لیست ترکیب)

ر	عمده بحث	میهمانان	جلسه	کاستی‌ها							دروناشت‌ها				
				وجود سوگیری	خطای مبانی	ناسازگاری فرهنگی	محدودیت روشمندی	ناکارآمدی	ارزش‌مداری	فرصت‌های روان‌شناسی	معارف روان‌شناختی	لزوم رویکرد واحد	جامعه‌سازی اسلامی	منافع بومی‌سازی	
۱	اهمیت و فواید روان‌شناسی	غروی و آذربایجانی	۲	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	کاستی‌های روان‌شناسی، سوگیری	غروی، آذربایجانی و فتحی‌آشتیانی	۵	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	سوگیری، عدم تناسب فرهنگی	غروی، آذربایجانی و فتحی‌آشتیانی	۶	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	روش، انواع روان‌شناسی اسلامی	غروی، آذربایجانی و بهرامی احسان	۷	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	چگونگی روان‌شناسی اسلامی	غروی، آذربایجانی و بهرامی احسان	۸	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	روش تجربی در روان‌شناسی	غروی، آذربایجانی و بهرامی احسان	۹	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۷	روش تجربی در روان‌شناسی	غروی، آذربایجانی و بهرامی احسان	۱۰	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۸	توصیف، تجویز و تکنیک در روان‌شناسی	غروی، آذربایجانی و جلالی‌تهرانی	۱۱	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۹	توصیف، تجویز و تکنیک در روان‌شناسی	غروی، آذربایجانی و جلالی‌تهرانی	۱۲	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

										۱۳	غروی، آذربایجانی و جلالی‌تهرانی	ارزش در روان‌شناسی	۱۰
									*	۱۴	غروی، آذربایجانی و جلالی‌تهرانی	ارزش در روان‌شناسی	۱۱
										۱۵	آذربایجانی و جلالی‌تهرانی	تصاحب جایگاه دین توسط روان‌شناسی در غرب	۱۲
									*	۱۷	غروی، آذربایجانی و خلیلی	چگونگی روان‌شناسی اسلامی	۱۳
									*	۱۸	غروی، آذربایجانی و خلیلی	ارزش، تفاوت دین و روان‌شناسی	۱۴

یافته‌های تحقیق

خلاصه یافته‌ها در دو بخش «کاستی‌های روان‌شناسی» و «دروناشت‌های مکتب روان‌شناسی اسلامی» به شرح زیر است.

۱. کاستی‌های روان‌شناسی

۱-۱. وجود سوگیری

هرگونه انحراف نظام‌مند یا خطای منظم در نتیجه‌گیری، استنباط یا فرایندهای منتهی به این انحراف را سوگیری گویند (فرهنگستان زبان و ادب فاسی، واژه‌های مصوب). از مهم‌ترین ادعاهای علم بی‌طرفی یافته‌های علمی است؛ از جمله اینکه علوم انسانی و روان‌شناسی عاری از هرگونه سوگیری هستند. با بررسی نظریه‌های روان‌شناسی وجود سوگیری‌های جدی در آن روشن می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۵، پنج^۱)؛ به‌گونه‌ای که حداقل پنج نوع سوگیری زیر در آن وجود دارد: مبنایی، فرهنگی، سرمشقی، گزینشی، تأییدی. سوگیری مبنایی: مکتب‌ها نظریه‌های فلسفی را زیربنای فکری خویش قرار داده‌اند، همچون مکتب یونگ که متأثر از فلسفه شوپنهاور^۲ و کانت^۳ بود (غباری‌بناب، ۱۳۸۹)؛ یا اثبات‌گرایی سبب به‌وجود آمدن رفتارگرایی شد؛ روان‌کاوی متأثر از مادی‌گرایی^۴ بود؛ روان‌شناسی گشتالت^۵ بر مبنای نسبی‌گرایی مثبت استوار و در نهایت روان‌شناسی انسان‌گرا^۶ براساس تفکر وجودی^۷ مطرح شد (غروی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۶). سوگیری فرهنگی: نمونه‌هایی همچون توجه بیش از اندازه فروید به غریزه جنسی به دلیل نگاه سرکوبگرانه فرهنگ جامعه معاصر او در این باره، کثرت تحقیقات با موضوع انگیزه تولید در آمریکا به دلیل ستایش فرهنگ

۱. «پنج» نشان‌دهنده شماره جلسه برنامه رادیویی است.

2. Schopenhauer
3. Kant
4. materialism
5. gestalt
6. humanistic
7. existentialist

آمریکایی در خصوص تولید و رقابت (نجاتی، ۱۳۸۵)؛ حذف اختلال همجنس‌گرایی از دی‌اس‌ام^۸ به دلیل برداشت نوعی سبک زندگی از همجنس‌گرایی در فرهنگ مبدأ و تسری آن به علم (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۵، پنج‌وشش)، نشان می‌دهد ویژگی‌های خاص فرهنگی نتایج یافته‌های علمی را متأثر می‌کنند (کلانتری، احمدی و بختیارنصرآبادی، ۱۳۸۳). سوگیری سرمشقی، تأثیرپذیری از قالب‌های شکل‌گرفته معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تعریف می‌شود که غلبه سرمشق اثبات‌گرایی^۹ در روان‌شناسی نمونه‌ای از آن است (غروی، ۱۳۸۵)؛ به نقل از فرقانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۰). در مورد سوگیری گزینشی می‌توان با ذکر نمونه‌ای به تفاوت مسائل منتخب بین دو روان‌شناسی آمریکا و شوروی سابق اشاره کرد و نتیجه گرفت که در آمریکا به دلیل وجود دیدگاه‌های لیبرالیستی، بیشتر موضوعات انتخاب شده «فردگرایانه» و در شوروی به دلیل وجود دیدگاه‌های جمعی‌نگر غالب موضوعات انتخاب‌شده «جمع‌گرایانه» بوده است (حبیب، ۱۹۹۲)؛ به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۵، پنج). در نهایت گرایش محقق در یافتن شواهدی برای تأیید فرضیه خود سوگیری تأییدی نامیده می‌شود، آزمایش‌های اسکینر نمونه‌ای از این نوع سوگیری است که در آن به سائق گرسنگی موش به دلیل پیگیری فرضیه محرک پاسخ بی‌توجه بوده است (آذربایجانی، ۱۳۸۵، پنج).

بنابراین پیش‌فرض بی‌طرفی علم بدین معنا که محقق روان‌شناس می‌تواند بدون دخالت گرایش‌های خویش نظریه‌پردازی نماید، واقع‌بینانه نیست. با پذیرش سوگیری در نظریه‌های روان‌شناختی؛ این پرسش ایجاد می‌شود که آیا آنچه از سوی روان‌شناسی به‌عنوان علم مطرح می‌شود، در حقیقت قانونمندی‌های حاکم بر رفتار انسان است؟ یا اینکه «قانون‌سازی»، «قانون‌مندی‌نمایی» و «القائ قانون‌مندی» است؟

8. DSM
9. positivism

در حل مشکلات روان‌شناختی توفیقی نیافته، دست به کشف «قانونمندی‌های» انسانی نزنند نمی‌تواند ادعای امکان و وجود روان‌شناسی اسلامی را اثبات کند. در نهایت به نظر می‌رسد، ادعای «وجود سوگیری» به‌عنوان یکی از کاستی‌های روان‌شناسی پذیرفتنی است و ضرورت ایجاد «مکتب روان‌شناسی اسلامی» را اقتضا می‌کند.

۱-۲. خطای مبانی

هستی‌شناسی: در نگاه ماده‌گرایان اساس جهان ماده است. پدیده‌هایی مانند روح، حیات و تفکر شکلی از ماده هستند و در کتاب‌های روان‌شناسی تأثیر اعتقاد به خدا و عالم پس از مرگ نادیده گرفته می‌شود (منصور، ۱۳۷۸)؛ بدین ترتیب در دیدگاه‌هایی مانند نظریه اخلاقی پیاژه،^۱ نظریه دلبستگی بالبی^۲ و مراحل رشد اخلاقی کلبرگ^۳ از نگاه‌هایی چون «خداپیروی اخلاقی»، «دلبستگی به خالق هستی» و «اخلاق دینی» غفلت شده است (دیویس، ۱۹۸۳).^۴ حتی برخی از جهان‌شناسان خداوند را به‌عنوان یک وجود طبیعی و در حال تکامل فرض کرده‌اند که بخشی از جهان فیزیکی است (باتریل، ۱۹۹۹)؛ به نقل از آذربایجانی، (۱۳۹۱). معرفت‌شناسی: تفسیرهایی که در مورد کسب دانش وجود دارد، تفسیرهایی صرفاً مادی‌گرایانه است که علم را تنها نتیجه اکتسابات تجربی انسان در طول زندگی می‌دانند؛ بدون اینکه اعتباری برای وحی در نظر گیرند (بهرامی، ۱۳۸۵، نُه). انسان‌شناسی: هیچ‌کدام از نظریه‌های روان‌شناسی نگاه جامعی به انسان ندارند. رفتارگراها به یادگیری، روان‌تحلیلگری به روان‌شناسی مرضی، شناختی‌ها به ادراک و رشد شناختی، انسان‌گراها به انسان سالم تأکید داشته‌اند (آذربایجانی، ۱۳۹۱). ۱. آیا انسان فقط جسم است؟ فعالیت‌های اشخاصی همچون وونت، فخنر و کهلر^۷ این زمینه فکری را فراهم می‌آورند

به عبارت روشن‌تر، آیا روان‌شناسی در قامت یک علم صرفاً قانونمندی‌های رفتار انسان را با محک تجربه در فرهنگ بازکشف و نشان می‌دهد یا گرایش‌های یک جامعه خاص را در پوششی از قانون‌مندی ارائه داده، سپس دست به «القای قانونمندی» برای «نوع» انسان می‌زند؟ برای نمونه آیا «برداشت نوعی سبک زندگی از پدیده همجنس‌گرایی» قانونمندی رفتار نوع انسان است که در نتیجه آزمون‌های مختلف کشف‌شده یا اینکه صرفاً نتیجه باور پذیرفته شده در جامعه خاصی است که به‌عنوان قانونمندی به جهان ارائه می‌شود؟ در واقع آیا «کشف قانونمندی» رخ داده است یا «القای قانونمندی»؟ آیا این پدیده در «فرهنگ بازی» از سوی ملت‌های مختلف با روایی و پایایی معتبر به اثبات رسیده، یا اینکه صرفاً نتیجه تأثیرپذیری از فرهنگ بسته‌ای در یک جامعه خاص است؟ نکته بعدی اینکه اگر «القای قانونمندی» رخ داده باشد، پرسش دیگری هم مطرح می‌شود: جامعه‌ای که امروز همجنس‌گرایی را به‌عنوان نوعی سبک زندگی پذیرفته است، آیا در سال‌های نه‌چندان دور گذشته نیز همین نگرش را داشته است؟ یا به‌تازگی و با جهت‌گیری‌های خاص تبلیغاتی چنین باوری توسعه داده می‌شود؟ که اگر چنین باشد در پس «القای قانونمندی» نوعی «قانون‌سازی» رخ داده است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد وجود سوگیری در روان‌شناسی به اندازه‌ای جدی است که گاهی از رسالت اساسی خود که کشف «قانونمندی‌های» رفتار انسان بوده، به «القای قانونمندی» و سپس به «قانون‌سازی» منحرف شده است؛ بنابراین از اثبات وجود سوگیری در روان‌شناسی دو نتیجه حاصل می‌شود: الف) نمی‌توان یافته‌های روان‌شناسی را تجربی صرف دانست و از قانونمندی‌های مطلق نوع انسان برشمرد. ب) نمی‌توان وجود سوگیری مبتنی بر فرهنگ و مبانی خاصی را پذیرفت، ولی فرهنگ‌های دیگر را از این امر منع کرد؛ بنابراین چرا نتوان نظریه‌های علمی دیگری مبتنی بر پیش‌فرض‌های توحیدی برگزید و آن را به محک آزمایش در فرهنگ باز سپرد و نتیجه‌ای واقع‌بینانه از آن گرفت؟ درحالی‌که این نتیجه می‌تواند فرض مورد نظر را «رد» یا «تأیید» کند. البته یک مسلمان روان‌شناس می‌تواند تعبداً مبانی اسلامی را واقعی بداند، اما تا زمانی که با «نظریه‌پردازی» و در پی آن با «آزمایش تجربی»

1. Piaget

2. Bowlby

3. Kohlberg

4. Davies

5. Botterill

6. epistemology

7. Wundt, Fechner & Kohler

حال قابلیت رشد دارد (رفقی عیسی، ۱۳۸۵)؛ ۵. آیا انسان با مرگ تمام می‌شود؟ در روان‌شناسی، زندگی پس از مرگ فراموش شده و همین غفلت دو گونه تأثیر داشته است: نخست، از جهت طرح مسئله و دوم، از نظر ارائه راه حل (احمدی، ۱۳۶۲)؛ ولی در نگاه دینی مسئله حیات پس از مرگ مطرح می‌شود، نادیده گرفتن این موضوع به معنای بی‌توجهی به آثار فراوانی است که اعتقاد به آن در جهت‌گیری‌های انسان در زندگی، نحوه برخورد با مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها دارد (بهرامی، ۱۳۸۵، نه).

بنابراین وقتی هستی نتیجه تصادف و تکامل در نظر گرفته می‌شود، بر اساس امر رسی، سعادت، سراسی، بهررسی و هنجارها تفاوت می‌کند. اعتقاد نداشتن به وجود خالق تدبیرکننده‌ای که جهان هر لحظه موجودیت خود را از او می‌گیرد، رویکردهای انسان را تغییر می‌دهد. وقتی دنیا قاعده‌مند باشد، «حساب»، «سؤال» و «جوابی» وجود داشته باشد، «پیش‌فرض» تغییر می‌کند، وقتی پیش‌فرض تغییر کرد، «نگرش» به زندگی تغییر می‌یابد و پیرو آن «رویکردها» تغییر می‌کنند. در نظریه‌های مبتنی بر «توحید» سعادت در «رضایت خداست»؛ همین نگاه وقتی وارد روان‌شناسی می‌شود، نظریه‌ها، فرضیه‌ها، توصیه‌ها و تکنیک‌ها را متأثر می‌کند. در این حالت هدف از روان‌درمانگری محدود به ایجاد رضایت شخصی، احساس لذت از زندگی، عدم احساس گناه، دستیابی به موفقیت‌های مادی و سازگاری اجتماعی نخواهد بود. وقتی خدایی هست که تکالیفی بر عهده انسان نهاده است و از او درباره نعمت وجود سؤال خواهد کرد، جهت‌گیری‌های زندگی تغییر خواهند کرد. دومین خطای مبانی در معرفت‌شناسی است؛ وقتی جهان‌آفرینی نیست، پیرو آن وحی هم وجود ندارد، پیامبران پیام‌آوران خالق نیستند، آنچه از راه «وحی» به انسان منتقل شده، «دانش» نیست. خدا، پیامبر و کتاب افسانه‌ای است که پیشینیان ساخته‌اند، در چنین جهانی دانش تنها از انباشت تجربه‌های بشری حاصل می‌شود و هر چیزی که مخالف این تجربه باشد، اصالت ندارد. انسان‌شناسی: وقتی خدا وجود ندارد، وحی اصالت ندارد، دانش صرفاً از راه تجربه به دست می‌آید، به طور طبیعی انسان را هم می‌بایست با آزمون و خطا شناخت. حذف وحی از معرفت‌شناسی، برداشت

که می‌توان مسائل روانی را کمی کرد، نتیجه این روند نفی فراماده و شکل‌گیری فضایی کاملاً تجربی و فارغ از مسائل بنیادین هستی انسان بود (غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵) و توجه نکردن به بعد روحانی انسان زمینه بروز تنش‌های روانی را ایجاد کرد (غباری‌بناب، ۱۳۸۹)؛ ۲. آیا انسان، حیوانی تکامل‌یافته است؟ در مباحث روان‌شناسی می‌کوشند با تحلیل رفتارهای حیوانی، قانونمندی‌های رفتار انسان را کشف و تبیین کنند؛ درحالی‌که هر چند قوانین روان‌شناختی مشترکی وجود دارد (غروی، ۱۳۶۶)، ولی در بینش اسلامی نه تنها انسان حیوان تکامل‌یافته نیست، بلکه موجودی با ویژگی‌های منحصر به فردی است که خداوند از آن به روح خدایی تعبیر کرده است (احمدی، ۱۳۶۲)؛ ۳. آیا انسان مجبور است؟ روان‌تحلیلی‌گری با تأکید بر غرایز انسان وی را اسیر امیال نفسانی می‌داند. رفتارگرایی بر جبرگرایی محیطی تأکید می‌کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹؛ شولتز، ۱۳۷۹)، در حالی که براساس مبانی اسلامی انسان دارای اراده و اختیار است. مراد از اختیار نوعی توانایی ویژه انسان است که براساس آن می‌تواند در قلمروی خاصی، تأثیرات زیستی و محیطی را تحت تسلط خود درآورد و مسیر رشدش را آگاهانه انتخاب کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۹)؛ ۴. آیا انسان سرشتی نیک دارد یا بد؟ از نظر فروید که نماینده دیدگاه «بدسرشتی» است، آدمی موجودی پرخاشگر است که در نهاد خود میل به تخریب دارد، پیاژه و کلبگ صاحب‌نظران مکتب رشدی شناختی، طرفدار دیدگاه «نیک‌سرشتی» هستند و معتقدند اگر انسان به طبیعت خود سپرده شود؛ به سوی خوبی‌ها گرایش خواهد یافت. طرفداران «نظریه‌های یادگیری»، به‌ویژه «یادگیری اجتماعی» معتقدند انسان «لوح سفید نانوخته‌ای» است که محیط به او شکل می‌دهد؛ اما از نظر اسلام بخشی از غرایز انسان مربوط به «جنبه‌های حیوانی» و بخشی دیگر مربوط به «جنبه‌های ملکوتی» اوست، بنابراین طبیعت انسان «نه شرّ مطلق» است و نه «خیر مطلق»، بلکه حد وسط آن بیان می‌شود (سرندی، ۱۳۷۴). پس انسان از فطرت سالم برخوردار است، اما به گونه‌ای کامل آفریده نشده است که بتوان از مواظبت او چشم پوشید، ولی با این

بنابراین «ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری» و «نظریه‌های روان‌شناختی» با نگاه ماده‌انگارانه از هستی در ناهشیار مخاطب بذرخداناباوری می‌کارند، با این حال ضمن پذیرش تأثیر این امر بر روی اعتقادات، لازم است چرایی این پدیده بررسی شود. زمینه تضاد نگرشی در اعتقادات از دوره دانشجویی آغاز و استمرار می‌یابد. دانشجوی امروز، استاد، مشاور و درمانگر فرد است. دو رویکرد زمینه توسعه این تضاد را فراهم آورده است: ۱. نبود صراحت در منابع روان‌شناسی دانشگاهی: در منابع ترجمه‌شده دانشگاهی بخش مهمی از افکار و اعتقادات نظریه‌پردازان روان‌شناسی حذف شده و آنها را تدیس‌های خستگی‌ناپذیر و موفق نشان داده‌اند؛ ۲. نبود منابع دانشگاهی درباره مبانی درست: شاید رویکردهای ماده‌گرایانه در مواجهه با بینش‌های توحیدی توان اقتناع نداشته باشند، اما توان تشکیک دارند! دانشجو معمولاً با باوری ضعیف وارد دانشگاه می‌شود و در طول سال‌های متوالی گام‌به‌گام با افکار ماده‌گرایانه پنهان روبه‌رو می‌شود؛ درحالی‌که اگر در همان سال‌های ابتدایی، نظریه‌های روان‌شناسی را به همراه نقد واقع‌بینانه‌ای می‌آموخت، با درک آسیب‌پذیری آنها دچار تضاد نگرشی اعتقادی نمی‌شد، زیرا انسان هستی را از دریچه تخصص خویش می‌نگرد و روان‌شناسی در مورد همه زندگی نظر می‌دهد؛ طبیعی است که دانشجوی روان‌شناسی با آنچه می‌آموزد، زندگی را قضاوت می‌کند، اما درباره امکان‌القای هویت، هرچند که با اتکا به تجارب شخصی می‌توان نمونه‌هایی از چنین تأثیرپذیری‌هایی را یافت، اما اثبات یا رد آن به‌عنوان «قانونمندی» نیاز به پژوهش و اثبات تجربی در فرهنگ باز دارد و البته این موضوع مستقل و از پژوهش حاضر خارج است. با توجه به مباحث گفته‌شده، وجود ناسازگاری فرهنگی اعتقادی یکی از ضرورت‌های پیگیری و تحقق «مکتب‌روان‌شناسی اسلامی» است که بیشترین هماهنگی را با فرهنگ کشورهای اسلامی خواهد داشت.

۱-۴. محدودیت و انحصار روشمندی

آیا می‌توان پدیده‌های طبیعی و انسانی را با معیاری واحد تفسیر کرد؟ پس از اینکه معرفت‌شناسی تجربه‌گرا در علوم انسانی تثبیت شد، روان‌شناسی تنها روش درست و علمی را «روش تجربی»

روان‌شناسی از انسان را منحرف می‌کند و تصویر اشتباهی از او ارائه می‌دهد. در پی شناخت اشتباه، توصیه‌ای نیز که برای سلامتی روانی او می‌دهد، ناقص خواهد بود؛ برای نمونه رویکردی که انسان را مجبور می‌داند خود به نوعی تناقض گرفتار است، زیرا روان‌درمانگری از «اختیار» و «اراده» انسان برای «تغییر» شروع می‌شود، روان‌شناسی که معتقد به جبر انسان است، چگونه برای تغییر مراجع خود می‌کوشد، رویکردی که انسان را «بدرشت» می‌داند، چگونه می‌تواند او را به سمت نیکی راهنمایی کند؛ درحالی‌که او را ذاتاً شرور می‌داند؛ یا رویکردی که به صورت غلوآمیزی انسان را «نیک‌سرشت» می‌داند و معتقد است بدون هر نوع راهنمایی از پس خود برمی‌آید، چگونه در جایگاه درمانگری می‌ایستد در حالی که اگر چنین بود دیگر نیازی به مشاور نبود. بنابراین چون «خطای مبانی» به‌عنوان یکی از «کاستی‌های روان‌شناسی» تأیید و توصیف اسلام از انسان، کامل تلقی می‌شود؛ ضرورت تأسیس «مکتب روان‌شناسی اسلامی» روشن می‌شود.

۱-۳. ناسازگاری فرهنگی اعتقادی

تضاد در نگرش اعتقادی: تدریس، تحصیل و ترویج نظریه‌های روان‌شناختی که بر پایه مبانی مادی‌گرایانه بنا شده است؛ به‌صورت غیرمستقیم بر روی افراد مرتبط با روان‌شناسی تأثیر می‌گذارد و اعتقادات آنها را تضعیف می‌کند (غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵). الگوهای بهنجاری: با توجه به آموزه‌های وحی، معیارهایی که مبتنی بر تجربه‌های بشری همچون رفتار اکثریت جامعه و یا رفتارهای ایده‌آل بشرساز تدوین شده‌اند، نمی‌تواند سلامت روانی انسان را تأمین کند (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۵، شش). القای هویت نادرست: شخص تحت تأثیر تعریفی که مکتب‌های روان‌شناسی از انسان ارائه می‌دهند و نیز الگوهای بهنجار مشخص شده، قرار می‌گیرد و خود را با همان تعریف تنظیم کرده، سطح توانایی‌های خود را همان می‌داند، پس تصمیمات و رفتار خود را بر مبنای همان تعریف بنا می‌کند، به دنبال این القاپذیری، توان پیش‌بینی و کنترل برای تعریف‌کننده فراهم می‌شود و می‌تواند تصمیم‌های چنین شخصی را پیش‌بینی و کنترل کند (غروی، ۱۳۸۵، شش؛ جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، یازده).

فلسفی مادی‌گرایانه «وجود» را مساوی «ماده» بدانند و معتقد باشد تنها راه شناخت، صرفاً همین روش تجربی است، تحلیلی مادی از یافته‌های تجربی خویش ارائه کرده، درحالی‌که این نتیجه‌گیری «علمی» نیست و صرفاً یک «تحلیل فلسفی» می‌باشد که در کنار یافته‌های علمی نهاده شده است (غروی، ۱۳۸۵، ده). این شیوه مطالعه به صورت غیرمستقیم ماده‌گرایی را القا می‌کند (احمدی، ۱۳۶۲، ص ۱۵). بحران نظری: «نبود نظام جامع روان‌شناختی» و «ظهور رویکردهای متضاد» روان‌شناسی را با نابسامانی روبه‌رو ساخته است؛ به بیان بونژه و آردیلا: «روان‌شناسی قرن بیستم همانند تابلوی نقاشی بزرگی است که دربردارنده موضوعات پراکنده و دارای تمامی رنگ‌هاست، در این نقاشی بزرگ هیچ طرح و الگویی مشاهده نمی‌شود» (بونژه و همکاران، ۱۹۸۷، ص ۳۰؛ به نقل از مصباح و ابوترابی، ۱۳۹۸). در واقع مکاتب مختلفی وجود دارند که هر یک بخشی از وجود انسان را تبیین می‌کنند. نبود یک تبیین جامع سبب شده است هر روان‌شناس با مخلوطی از نظریه‌ها و تکنیک‌ها به درمان مراجعان بپردازد؛ از این رو هیچ وحدت رویه‌ای در درمانگری وجود ندارد (خلیلی، ۱۳۸۵، هفده). کندلر،^۲ از جمله محققانی است که در اثر علمی خود با نام «روان‌شناسی دانشی در تضاد»، زوایای این مسئله را بررسی می‌کند، وی مدعی است روان‌شناسی پازل درهمی است که راه به جایی نمی‌برد. کخ^۳ با تأیید این نظر کندلر، پیشنهاد می‌دهد که بهتر است با استفاده از تعبیری مانند «مطالعات روان‌شناختی» به جای لفظ روان‌شناسی به این فقدان انسجام اعتراف کنیم! (وولف،^۴ ۱۳۸۶، ص ۴۶؛ به نقل از مصباح و ابوترابی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین نظریه‌پردازان روان‌شناسی هنوز در تعیین قلمرو، روش فعالیت و موضوع مورد مطالعه به توافق کاملی دست نیافته‌اند (هیلگارد و همکاران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۵؛ به نقل از لطفی، ۱۳۸۰).

در این بخش چند نکته کلیدی مطرح شد: ۱. نمی‌توان پدیده‌های انسانی و طبیعی را با یک روش واحد به صورت کامل و مطلق مورد آزمون و ارزیابی قرار داد، اما آیا روش دیگری وجود

دانست (دلایا، ۱۳۸۳)؛ درحالی‌که تحلیل تجربی صرف نمی‌تواند همه ابعاد روانی انسان را بررسی کند (غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵)، چون این دو در مبانی، روابط، نوع، ویژگی‌ها و روش پژوهش از هم متفاوتند (عانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰). آیا روش تجربی قابل‌پذیرش است؟ درحالی‌که انتقادهایی بر کاربست روش تجربی مترتب است، اما دیدگاه تجربی به عنوان یکی از شکل‌های معرفت بشری قابل‌پذیرش می‌باشد و کنار گذاشتن آن منطقی نیست (غروی، ۱۳۸۵، هشت؛ بهرامی، ۱۳۸۵، نه؛ جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، یازده؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵، نه). آیا می‌توان علم را در روش تجربی منحصر کرد؟ محدود کردن علم در روش تجربی منطقی نیست، هرچند اگر تحقیق تجربی انجام شده دارای اعتبار باشد و در نهایت منتج به تدوین نظریه‌ای شود، این نظریه قابل اعتنا است؛ ولی آیا آزمایش‌ها در فرهنگ‌های مختلفی انجام شده (فرهنگ باز) یا در جامعه خاصی صورت گرفته است (فرهنگ بسته)؟ آیا صرفاً با انسان‌های متوسط انجام گرفته یا در انسان‌های متعالی نیز بررسی شده‌اند؟ (غروی، ۱۳۶۶؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵، هفده). اینکه صرفاً با روش تجربی می‌توان به واقعیت رسید و سایر روش‌های موجود (نقلی، عقلی، شهودی) فاقد اعتبارند، پذیرفتنی نیست؛ برای مثال هرگاه محقق در کار علمی از ریاضی و آمار بهره می‌گیرد، آیا این دو تجربی هستند یا عقلی؟ یا وقتی به دنبال یافته‌ها، نتایج پژوهش را تفسیر می‌کند، آیا این تحلیل و تفسیر تجربی است یا عقلی؟ پس در فرایند پژوهش بارها از روش عقلی بهره گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان از روش‌های عقلانی و شهودی در تحقیقات علمی بهره برد (غروی، ۱۳۸۵، هشت؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵، هشت). آیا محدود شدن در روش تجربی توان روان‌شناسی را نمی‌کاهد؟ اگر تحقیقات علمی در روند پژوهش به یک روش محدود شود، همان روش به تناسب ضرورت‌های خود، موضوع پژوهش را تعیین می‌کند؛ برای نمونه روان‌شناسی توان تفسیر «رؤیای صادق» را ندارد و هرگاه پدیده «فرامادی» خواب را تحلیل می‌نماید، تنها به جنبه‌های مادی توجه می‌کند (غروی، ۱۳۸۰؛ غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵). القای ماده‌گرایی: روش علمی تنها در چارچوب مادی معتبر است، پس اگر علم مدعی شد روح با تداوم حیات وجود ندارد، از قلمرو خود خارج شده است؛ بنابراین اگر دانشمندی مبتنی بر پیش فرض

1. Bunge & Ardila

2. Kendler

4. Woolf

توصیف^۱ (تبیین عملکردهای روان)، تجویز^۲ (دستورالعمل‌هایی برای تغییر در شخصیت و تأثیر در بهداشت روانی) و تکنیک^۳ (اعمال و تمرین‌های خاص روان‌شناختی برای رسیدن به نتایج تجویز) بررسی کرد (دلایا، ۱۳۸۳). کارکرد توصیفی: آیا تعریف روان‌انسان در حیطه روان‌شناسی قرار دارد؟ دیدگاهی معتقد است چون روان‌شناسی مدعی بررسی روان‌انسان است، باید توصیفی جامع از انسان ارائه دهد؛ ولی پس از بررسی مکتب‌های مختلف روان‌شناسی درمی‌یابیم که یک تعریف جامع از روان‌انسان ارائه نشده است. اگر ادعا شود که وظیفه روان‌شناسی درمان اختلالات روانی است نه تعریف انسان کامل، پس باید به نوعی از «روان‌تکنولوژی» باور داشته باشیم، نه روان‌شناسی! (جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، یازده). دیدگاهی دیگر معتقد است هرچند مکاتب مختلف روان‌شناسی با توجه به رویکردی که داشته‌اند به جنبه‌هایی از انسان پرداخته‌اند، اما درحقیقت وظیفه روان‌شناسی بررسی قانونمندی‌هاست، نه تعریف روان؛ پس حتی اگر عالمی هم در این باره تعریفی ارائه دهد، به‌عنوان فیلسوف اظهارنظر کرده است، زیرا تعریف انسان کامل، استنتاج فلسفی است و از علم نمی‌توان انتظار داشت که تعاریف گسترده‌ای نسبت به یک پدیده ارائه دهد که هزاران جهت دارد. بر این اساس توصیف کامل انسان مربوط به فلسفه است، نه روان‌شناسی (غروی، ۱۳۸۵، یازده). کارکرد تجویزی: تجویز یعنی ارائه روشی که براساس آن انسان به سلامت روان و کمال انسانی دست یابد، ولی تا زمانی که انسان به‌درستی شناخته نشود، نمی‌توان اقدام به تجویز کرد. فقدان یک تصویر کامل از انسان سبب شده است بیشتر تجویزهای روان‌شناسی برای حل مشکلات انسان ناموفق باشد. انسان امروز درحالی‌که می‌داند روان‌شناسی، توصیف کاملی از او ارائه نداده است؛ به دو دلیل باز هم به او رجوع می‌کند: نخست، انسان نیاز اساسی به شناخت خود دارد و پاسخگویی به چنین سؤالی در حیطه آموزه‌های دینی است، ولی چون روان‌شناسی خود را از دین جدا کرده و به صورت مستقل در جای دین نشسته است؛ جایی به جز روان‌شناسی برای انسان معاصر باقی نمانده است؟ دوم،

دارد؟ اگر ادعا درباره معارف دینی است که از موضوع بحث خارج می‌باشد چون دیگر نیازی به روان‌شناسی علمی نیست و «معارف روان‌شناختی دینی» کفایت می‌کند، اما اگر موضوع در مورد علوم انسانی است، این سؤال به ذهن می‌آید: اگر روش تجربی نه، پس چه؟ ۲. درباره تأیید روش تجربی هم بحثی نیست، زیرا عالمان اسلامی از دیرباز از این روش بهره گرفته‌اند؛ ۳. درباره استفاده از روش‌های عقلانی و شهودی، هرچند می‌توان اصل ادعا را پسندید و آن را در مسیر توسعه ابزار شناخت دانست، اما چه کسی و چه زمانی قرار است به این مهم مبادرت ورزد؟ در واقع اظهار کفایت نداشتن روش تجربی و نقد آن تا زمانی که جایگزینی برای آن ارائه نشود، راهگشا نخواهد بود؛ ۴. کاهش توان روان‌شناسی در صورت بسندگی صرف به روش تجربی نیز پذیرفتنی است، به شرط اینکه روش‌های مکمل و جایگزینی ارائه شود. مصداقاً در مورد رؤیای صادق، روان‌شناسی اسلامی با چه ابزارهایی می‌خواهد به شناخت و کشف قواعد حاکم بر این پدیده برآید؟ ۵. اینکه گاهی محقق یافته‌های تجربی را با تفسیرهای ماده‌انگارانه از هستی درهم می‌آمیزد، واقعیتی انکارناپذیر است، شاید بهتر باشد روان‌شناسی اسلامی تفسیرهای مادی منتسب به یافته‌های تجربی را به صراحت مشخص کند و خطای رخ داده و القا صورت گرفته را روشن سازد؛ ۶. همچنین «نبود نظام جامع روان‌شناختی» و «ظهور رویکردهای متضاد» هر دو پذیرفتنی هستند، زیرا موضوع واحد روان‌شناسی انسان است، بنابراین باید بتواند توصیف کاملی از روان وی ارائه دهد تا در قامت یک علم ساختار اطمینان‌آوری داشته باشد، نه اینکه هر نظریه‌ای او را به سویی سوق دهد. سرانجام با توجه به تفاوت‌های روان‌انسانی با علوم طبیعی باید گفت روش تجربی به‌تنهایی نمی‌تواند مسئولیت شناخت و تعالی انسان را به دوش کشد و می‌بایست در این مسیر از «وحی»، «تعقل» و «شهود» بهره گیرد. با توجه به توضیحات گفته‌شده، می‌توان امید داشت که «مکتب روان‌شناسی اسلامی» با ارائه روش‌های جدیدی خلأ موجود را برطرف سازد.

۱-۵. ناکارآمدی

بهتر است برای ارزیابی کارآمدی روان‌شناسی آن را در سه حوزه

1. descriptive
2. prescriptive
3. technical

کافی نباشد اما بی‌فایده نیست، ولی روان‌شناسی این نسبی بودن را به مردم اعلام نمی‌کند. ۳. دلیل کارآمدی تکنیکی، شناخت نسبی انسان است. ۴. مثالی که درباره «وسواس» زده شد (فتحی، ۱۳۸۵)، همچنین اشاره‌ای که به «ناکارآمدی روان‌درمانی‌های موجود» و «تکنیک‌های شاگردان الیس» (غباری‌بناب، ۱۳۸۹) شد؛ مصادیقی از ناکارآمدی رویکردهای مختلف به دلیل تفاوت‌های بومی بین ملت‌هاست. با توجه به توضیحات گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که روان‌شناسی امروز نیازمند مکتبی است که با توصیف دقیق انسان توصیه‌هایی کاربردی ارائه دهد، این نظریه می‌تواند «مکتب روان‌شناسی اسلامی» باشد.

۱-۶. ارزش‌مداری

در مورد مداخله ارزش‌ها در روان‌شناسی بحث‌های متضاد زیر وجود دارد: ارزش‌ها نباید در روان‌شناسی دخالت داده شوند: روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنوع رفتارها در جوامع مختلف به اندازه‌ای زیاد است که اختصاص هر نوع بار ارزشی خوب یا بد به آنها، تحقیقات روان‌شناختی را به بن‌بست می‌کشاند؛ بنابراین برای کسب یک اصل جهانی وظیفه روان‌شناسی تحقیق درباره علت‌های رفتار، عوارض و آثار آن است، بدون آنکه درباره درستی یا نادرستی آن قضاوت کند (سرندی، ۱۳۷۴). روان‌شناسی تهی از ارزش‌ها وجود ندارد: علوم انسانی نمی‌تواند عاری از ارزش‌ها شکل گیرد؛ بنابراین دو دسته از ارزش‌ها در روان‌شناسی وجود دارند: دسته اول ارزش‌هایی که براساس پیش‌فرض‌ها به صورت پنهان از فرهنگی به فرهنگی دیگر منتقل می‌شوند (خدا، روح و...). دسته دوم ارزش‌هایی که به صراحت در بدنه علم حضور دارند، مثلاً وقتی قواعد جاذبه میان‌فردی در روان‌شناسی اجتماعی بیان می‌شود، در واقع نوعی تجویز و توصیه ارزشی صورت گرفته است (آذربایجانی، ۱۳۸۵، سیزده). نمونه‌هایی از جنبه‌های ارزشی روان‌شناسی: از نظر فروید انسان غریزه جنسی و خشم است و می‌بایست با اضطراب و احساس گناهی مبارزه کند که از تعارض بین نهاد و فرامن ایجاد می‌شود و انسان سالم کسی است که بدون تعارض با جامعه توانایی ارضای خود را داشته باشد؛ همچنین اسکینر می‌گوید: باید انسان را آموخت تا بتواند از هر روش و با کمترین هزینه بالاترین نفع را به دست آورد، یا

روان‌شناسی در تکنیک موفق عمل کرده است، روش‌هایی برای تغییر حالات و اندیشه ارائه داده که موفق بوده‌اند (جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، دوازده). کارکرد تکنیکی: درحالی‌که روان‌شناسی انسان متعالی را در سطوح عالی نشناخته، ولی در شناخت انسان معمولی موفق بوده است، با کشف قانونمندی‌ها در این سطح، قدرت پیش‌بینی کسب کرده، مبتنی بر همین پیش‌بینی، توانایی کنترل به دست آورده است و در نتیجه می‌تواند رفتار و حالات را تغییر دهد (جلالی‌تهرانی و غروی، ۱۳۸۵، دوازده)؛ از این رو قواعد روان‌شناختی بر انسان‌هایی با فرهنگ مادی پاسخگو است و اکتفاء صرف به روان‌شناسی مادی دارد، یعنی بسنده به نوعی روان‌شناسی ناقص است که موضوع آن رفتار انسان بدون توجه به بُعد روحانی اوست (غروی، ۱۳۸۵، شش). کارکرد بومی: نقص کارکرد بومی به دلیل تناسب نداشتن با برخی مسائل، روش‌ها و تکنیک‌های روان‌شناسی مادی، با فرهنگ ملی و دینی جوامع اسلامی با کمی تأمل روشن می‌شود (فرقانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۳)؛ همچون مباحثی که در مورد سبب‌شناسی و نشانه‌شناسی اختلال وسواس در آسیب‌شناسی مطرح است، درحالی‌که فرهنگ اسلامی نگرشی متفاوت از فرهنگ غربی دارد (فتحی، ۱۳۸۵؛ به نقل از فرقانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۳). ناتوانایی در ارائه راه‌حل‌ها و پاسخ‌های روشن به مراجعان فرهنگ‌های متفاوت در حدی است که برخی از روان‌شناسان غربی درصدد برآمده‌اند با اعمال تجدیدنظرهایی این نقص را برطرف کنند، حتی شاگردان الیس از شناخت معنوی و استناد به آموزه‌های مذهبی صحبت می‌کنند (غباری‌بناب، ۱۳۸۹).

در این بخش چند محور مهم ارائه شد: ۱. چگونه می‌توان با علمی روبه‌رو بود که ادعای «روان‌شناسی انسان» را دارد و از او چنین توصیفی را انتظار نداشت؟ از سوی دیگر چگونه می‌توان از «علم تجربه‌گرا» انتظار داشت، درباره «روان‌فرامادی» اظهار نظر کند؟ هر دوی این ادعاها درست به نظر می‌آیند. «حقیقت» این است که روان‌شناسی در قامت یک علم تجربی به نظر توان توصیف دقیق انسان را ندارد، اما در «واقعیت» به این مبادرت ورزیده و او را هر چند ناقص و اشتباه توصیف کرده است. ۲. تجویزهای روان‌شناسی در همان سطحی که انسان را شناخته، موفق بوده است؛ البته شاید این شناخت و پیرو آن تجویز صورت گرفته

در این قسمت چند محور مورد بحث قرار گرفت: ۱. هر جامعه‌ای ارزش‌های منحصر به فردی دارد که ادعا می‌کند بهترین ارزش‌هاست، پس این استدلال که دخالت دادن ارزش‌ها در علم، ثبات علم را به هم می‌ریزد و نمی‌توان هر ارزشی را وارد علم کرد، پذیرفتنی است؛ ۲. هر چند با دخالت دادن ارزش‌ها ثبات علم به هم می‌ریزد، اما به نظر برخی فلاسفه علم می‌توان بین مقام کشف و داوری تفاوت گذاشت و در مقام کشف از هر نوع ارزشی بهره برد، ولی در مقام داوری صرفاً با معیار تجربه در فرهنگ باز نتیجه را پذیرفت؛ ۳. ارزش‌ها با وجود انسان آمیخته است و هر نظریه‌پرداز، درمانگر و مشاور برای خویش ارزش‌هایی دارد که در جریان نظریه‌پردازی و مشاوره به مراجع منتقل می‌کند؛ بنابراین افشای ماهیت ارزش‌مدار روان‌شناسی و اطلاع مردم از آن ضروری است. در مجموع به نظر می‌رسد نمی‌توان روان‌شناسی را بدون دخالت ارزش‌ها در جریان نظریه‌پردازی، پژوهش و درمان تصور کرد؛ بنابراین می‌توان بحث امکان یا لزوم دخالت ارزش‌های اسلامی را در روند تدوین نوعی روان‌شناسی پذیرفت که این طرح، «مکتب روان‌شناسی اسلامی» نام گرفته است. این طرح در مقام کشف از ارزش‌های اسلامی برای نظریه‌پردازی ایده می‌گیرد و در مقام داوری، آن را با آزمون در فرهنگ‌های مختلف می‌سنجد تا قانونمندی‌های روان‌انسان را کشف کند.

۲. درونداشته‌های مکتب روان‌شناسی اسلامی

۲-۱. فرصت‌های روان‌شناسی موجود

منافع روان‌شناسی: از نخستین خدمات روان‌شناسی تغییر نگرش مردم نسبت به بیماری‌های روان بود. پیش از ظهور روان‌شناسی بیماری‌های روان را نتیجه حلول شیاطین یا اجنه در انسان می‌دانستند و متناسب با همین پیش‌فرض خرافاتی به روش‌های درمانی نما همچون شکنجه و حبس می‌پرداختند. روان‌شناسی توانست «برداشت‌های خرافاتی» را به «بیماری روانی» تغییر داده، و روش‌های مفیدی در این باره ارائه دهد (آذربایجانی، ۱۳۸۵، پانزده). دیگر فایده روان‌شناسی فعال کردن ذهن اندیشمندان مسلمان نسبت به وجوه روان‌شناختی مفاهیم دینی بود؛ شاید اگر روان‌شناسی نبود، این میزان توجه به جنبه‌های روان‌شناختی دین نزد اندیشمندان مسلمان شکل نمی‌گرفت (غروی، ۱۳۸۵،

روان‌شناسی شناختی سیستمی به‌عنوان تفکر منطقی و غیرمنطقی ارائه می‌دهد، از نظر ایس می‌بایست با تمرکز بر تفکرات غیرمنطقی آنها را با تفکرات منطقی جایگزین کرد. یا انسان‌گراها و وجودی‌ها معتقدند انسان آزاد است و در برابر انتخاب‌های خود با اضطراب روبه‌رو می‌شود، باید اضطراب را بپذیرد و احساس گناه داشته باشد. آیا این توصیه‌های فروید، اسکینر، ایس و وجودی‌ها بار ارزشی ندارند؟ (جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، دوازده‌وسیزده). ارزش‌ها باید در روان‌شناسی دخالت داده شود: آمیختگی روان‌شناسی با ارزش‌ها به اندازه‌ای است که روان‌شناسی «نمی‌تواند» و «نباید» بدون دخالت «ارزش» شکل گیرد، ارزش در وجود انسان یک متغیر نیست بلکه مبنای انسانیت اوست، حتی نداشتن ارزش همچون نداشتن روان است؛ در واقع با حذف ارزش، روان‌شناسی از موضوع خود یعنی «شناخت روان» خارج می‌شود. انسان در کل به دنبال هدفی است، اما آنجا که صحبت از هدف می‌شود ارزش هم وجود دارد، امکان ندارد هدفی را یافت که درونش ارزشی نهفته نباشد. شاید روان‌شناسی «بتواند» ادعا کند که انسان را در چارچوب خاصی بررسی کرده، بقیه ابعاد وجودی او را کنار گذارد، اما «نمی‌تواند» ارزش را کنار بگذارد! به همین دلیل همه مکتب‌های روان‌شناسی در تجویز بار ارزشی دارند، ارزش با روان‌شناسی آمیخته است، اما روان‌شناسی این قضیه را با صراحت به مردم اعلام نمی‌کند. با روشن شدن این موضوع دو نتیجه مهم به دست می‌آید: نخست، می‌بایست بار ارزشی روان‌شناسی برای مردم روشن شود تا بدانند که با یک علم تهی از ارزش روبه‌رو نیستند و ارزش‌هایی که روان‌شناس برگزیده است، در روند درمان تأثیر می‌گذارد. دوم، وقتی روان‌شناسی تهی از ارزش نمی‌تواند وجود داشته باشد، پس لازم است روان‌شناسی اسلامی بر مبنای ارزش‌های اسلامی تأسیس شود (جلالی‌تهرانی، ۱۳۸۵، دوازده‌وسیزده). دخالت ارزش‌ها در مقام کشف: هر جمعی ارزش‌های خاص خود را دارند و احتمال دخالت ارزش‌ها در همه جا وجود دارد و همین امر دستیابی به حقیقت را ناممکن می‌سازد، اما اگر ارزش‌ها در مرحله ابتدایی فرایند تولید علم دخالت داده شوند (ایده‌پردازی)، ولی در مرحله نهایی (داوری) به وسیله معیاری همگانی ارزیابی شوند، مشکلی نیست (غروی، ۱۳۸۵، سیزده و چهارده).

شناختی» پذیرفته شود، زیرا نگاه مثبت به دین بیشتر نگاه ابزارانگارانه و تکنیکی است، نه نگاهی اصیل، مبنایی و معرفت‌شناختی. با توجه به این مباحث می‌توان در تحقق «مکتب روان‌شناسی اسلامی»، از تحقیقات علمی روان‌شناسی بهره برد.

۲-۲. وجود معارف روان‌شناختی دینی

خدا سرچشمه همه دانش‌هاست؛ به همین دلیل باید روان‌شناسی اسلامی بر مبنای قرآن (معتبرترین منبع دانش ممکن) تعریف و توسعه داده شود، قرآن از جانب خالق انسان و کاملاً آگاه از همه جوانب وی آمده است. سایر دانش‌ها تنها بخشی از حقایق را کشف می‌کنند. از آنجا که نظریه‌های انسان‌شناسی فاقد تصویری جامع هستند، بستری بسیار محدود دارند؛ زیرا هر قدر هم که دانشمندان زیرک باشند، همواره خطاپذیر و دستخوش محدودیت زمان و فرهنگی هستند که در آن زندگی می‌کنند و برای اساسی‌ترین پرسش‌های مردم درباره معنا و هدف زندگی پاسخی ندارند، پس می‌بایست با بهره‌گیری از میراث ارزشمند اسلامی، روان‌شناسی حقیقی را تدوین کرد (یعقوب، ۱۳۸۳). در آموزه‌های دینی مفاهیمی همچون «تعریف و توصیف جامع از انسان و ابعاد وجودی او»، «توصیه‌های پربار برای تأمین سلامت و سعادت او»، «روش‌ها و فنون مؤثر در زمینه‌های روان‌شناختی» و «پندها و دعاها» وجود دارد که می‌تواند افق‌های جدیدی را بر روی روان‌شناسی بگشاید و موجب تحول ویژه‌ای در آن گردد (غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵؛ شش؛ فتحی، ۱۳۸۵؛ به نقل از فرقانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

در مجموع، وجود معارف روان‌شناختی دینی در قرآن و روایات، تجارب روان‌شناختی در زندگی پیامبر اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) و مباحث فلسفه اسلامی مقدمات مکتب روان‌شناسی اسلامی به شمار می‌روند که نیروهای انسانی از جمله روان‌شناس، اسلام‌شناس و مبتکر می‌توانند بر مبنای آن مکتب روان‌شناسی اسلامی را پایه‌گذاری کنند.

۲-۳. لزوم تحقق رویکرد جامع و واحد

پس از مکاتب سه‌گانه روان‌شناسی، مکتب دیگری ظهور نکرد که ادعای جامعیت داشته باشد، بلکه نظریه‌ها و خرده نظریه‌هایی به

هجده؛ بنابراین در تأسیس مکتب روان‌شناسی اسلامی باید نقطه شروع روان‌شناسی موجود باشد، زیرا بیش از صد سال تجربه بشری از آن پشتیبانی می‌کند، توجه صرف به کاستی‌های روان‌شناسی بدون توجه به دستاوردهای مهم آن به دور از خردمندی است (آذربایجانی، ۱۳۸۵، یک). افق‌های جدید: در سال‌های گذشته ظهور رویکردهای جدید، جهت‌گیری تحقیقات روان‌شناسی را تحت تأثیر قرار داده است، همچون روی آوردن‌های «روان‌شناسی شناختی» و «جنبش مربوط به انگیزش و استعداد انسان» که مسائل مربوط به فراسلامت‌نگری را مدنظر قرار داده‌اند؛ یا «روان‌شناسی زنان» که داده‌های روان‌شناختی را در حوزه‌های کاربردی زیرسؤال برده و جنسیت را به‌عنوان یک متغیر مهم وارد جریان اصلی روان‌شناسی کرده است؛ همچنین «نظریه‌های شرقی» با طرح «معنویت در روان‌شناسی» و «روان‌شناسی مثبت»، موجب شکل‌گیری راهبردهای جدید شده‌اند (آذربایجانی، ۱۳۹۱). ظهور گرایش‌های فراوان، نشانه ظرفیت روان‌شناسی برای پیدا کردن مسیرهای جدید تحقیق و نظریه‌پردازی است. نگاه مثبت به دین: روان‌شناسی امروز در مقایسه با گذشته با دید مثبت‌تری به دین نگاه می‌کند. تحقیقات و نظریه‌های جدیدی که در مورد تحلیل دین و دینداری ارائه می‌شود، نشانه نقض نظریات سابق روان‌شناسی به این مقوله است، البته نگاه ابزارانگارانه به مقوله دین و بی‌توجه به بحث حقایق آن در بیشتر این جریان‌ها وجود دارد که نقص مهمی است (فرقانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۰).

بر این اساس از منافع روان‌شناسی تمرکز توجه بر روی معارف روان‌شناختی دینی است. بخش مهمی از توجهی که به‌تازگی به روان‌شناسی اسلامی معطوف شده، به جهت خطری است که از وجود روان‌شناسی مادی احساس می‌شود. پس رشد روان‌شناسی عامل محرک ایجاد روان‌شناسی اسلامی بوده است. شاید اگر روان‌شناسی موجود نبود تا قرن‌های بعد هم توجه خاصی به بعد روان‌شناختی منابع اسلامی نمی‌شد؛ همچنین رویکردهای جدیدی که در روان‌شناسی ایجاد شده است و نگاه مثبت روان‌شناسی به دین نشانه‌های خوبی هستند که می‌تواند فضای علمی را به سمت رویکردهای توحیدی هدایت کند؛ با این حال هنوز فاصله زیادی است تا دین به‌عنوان یک منبع «معرفت

زندگی جامعه غیراسلامی است، پس باید نگاه بلندمدت و دقیقی به جامعه‌سازی اسلامی صورت پذیرد. برای تحقق این هدف می‌بایست علوم انسانی، «اسلامی» شوند؛ در واقع نتیجه مطلوب این است که روان‌شناسی اسلامی نقش خود را در جامعه‌سازی اسلامی ایفا نماید؛ این ضروری‌ترین دغدغه علوم انسانی اسلامی است و متأسفانه مغفول‌ترین آن نیز می‌باشد (کاوایی، ۱۳۹۷).

بنابراین روان‌شناسی به‌عنوان علمی که با کوچک‌ترین واحد جامعه یعنی انسان ارتباط دارد، می‌تواند تأثیر بسزایی در جامعه‌سازی اسلامی ایفا کند. تأثیر روان‌شناسی در فرهنگ‌سازی، انتقال ارزش‌ها به جامعه، تعیین و تثبیت هنجارها از اجزای مهم در این زنجیره به شمار می‌رود.

۲-۵. منافع بومی‌سازی

نبود تعارض بین باورهای فرهنگی و آموزه‌های دانشگاهی: چنانچه مکتب روان‌شناسی اسلامی نظریه‌پردازی شود، علم بومی تولید شده، در نتیجه آنچه در دانشگاه تدریس می‌شود، متعارض با باورهای بومی و فرهنگی جوامع اسلامی نخواهد بود (غباری‌بناب، ۱۳۸۹). توسعه علم بومی: علم به‌خودی‌خود هدف دانسته نمی‌شود، بلکه ابزاری برای پیش‌بینی، کنترل، تغییر، توسعه و بهبود مناسبات انسانی است؛ بنابراین مقدس‌شماری علم و مخالفت با هر نوع تغییری در جهت رشد و توسعه آن، علم را از هدف اصلی خود دور می‌سازد. پیشرفت و توسعه تمدنی صرفاً با تدریس ترجمه‌ها و تکرار آنها تحقق نمی‌یابد، بلکه به انقلاب فکری جوامع و در گرو نوآوری است. علم می‌بایست منشأ تحول در جامعه شود؛ از این رو باید بررسی شود که آیا روان‌شناسی موجود در جوامع مختلف مخصوصاً جوامع اسلامی به هدف نهایی خود رسیده است؟ (آذربایجانی، ۱۳۸۵، شش). کاربرد یافته‌های تحقیقات در تصمیم‌گیری: استفاده نکردن از نتیجه تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها گلایه رایجی است، یکی از دلایل این موضوع ناهماهنگی بین تحقیقات با فرهنگ بومی است؛ به همین دلیل تحقیقات همچون عضوی بیگانه که به بدن پیوند زده شده، طرد می‌شود. اگر نظریه‌ها ذیل مکتب روان‌شناسی اسلامی تدوین شوند، به دلیل همخوانی دینی و فرهنگی می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها کاربرد داشته باشند (غباری‌بناب، ۱۳۸۹). تأثیرپذیری بیشتر متدینین: استفاده از دین

صورت متضاد با هم بروز کردند، تا آنجا که تعدادی از پژوهشگران با احساس ضرورت نسبت به وحدت‌گرایی و البته اظهار یأس از آن پیشنهاد دادند به جای روان‌شناسی از عنوان «مطالعات روان‌شناختی» استفاده شود. از دلایل ضعف مکتب‌ها و نظریه‌ها، نبود اهتمام لازم به مبانی نظری روان‌شناسی است که نتیجه آن، ناتوانی روان‌شناسی از شناخت درست و جامع فرایندهای روانی انسان بوده است. با تأمل در توضیحات گفته‌شده و توجه به «امکان علم دینی» و «وجود معارف روان‌شناختی دینی» نتیجه‌گیری می‌شود که مکتب روان‌شناسی اسلامی که همان علم بررسی قواعد حاکم بر سازمان‌یافتگی‌های روانی و نمودهای رفتاری، همراه با مبانی و اهداف مورد تأیید و سازگار با اسلام است، می‌تواند به واسطه پشتوانه عقل و منابع اسلامی و به وسیله روش‌های معتبر (عقلی، نقلی، شهودی و تجربی) یک نظام جامع و واحد روان‌شناسی را ارائه کند (مصباح و ابوترابی، ۱۳۹۸). انسان یک سازمان روانی بیشتر ندارد، اما هر یک از مکتب‌های روان‌شناسی این سازمان روانی را از دیدگاه خاص خود مورد مطالعه قرار داده‌اند، به همین دلیل در حال حاضر ده‌ها مکتب روان‌شناسی وجود دارد که نقطه‌نظرهای بعضی از آنها با یکدیگر متناقض است؛ به نظر می‌رسد یک مکتب روان‌شناسی واقع‌بینانه و همه‌جانبه بتواند کلیه ابعاد روانی انسان را در حالت سلامت و بیماری تفسیر کند (حسینی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲).

با توجه به اینکه روان‌شناسی با موجودی واحد، یعنی انسان سروکار دارد؛ بنابراین باید بتواند با یک نظریه جامع تمامی جوانب روان‌شناختی او را تبیین و تحلیل کند، به همین دلیل ضرورت تحقق رویکرد جامع و واحد پذیرفتنی است. در صورت ایجاد چنین نظریه‌ای که یک تبیین جامع از جوانب مختلف انسان را ارائه دهد، می‌توان روان‌شناسی را در مسیر حقیقی خود دانست و آن را به‌عنوان علم پذیرفت. به نظر می‌رسد مکتب روان‌شناسی اسلامی می‌تواند مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی و معارف روان‌شناختی اسلامی چنین نظریه جامعی را ارائه کند.

۲-۴. جامعه‌سازی اسلامی

از انتظارات اصیل مسلمانان، اجرایی شدن آموزه‌های اسلامی است (فردی، اجتماعی، مقررات اجرایی، دولتی)، اگر سبک

نیازهای بومی، گامی مهم در جهت اعتلای علم به شمار می‌رود که برای همهٔ فرهنگ‌ها ضروری است.

به‌عنوان یک منبع فرهنگی و روان‌شناختی دست‌کم برای آن دسته از مراجعانی که علاقه‌مندند تا مشکلات روان‌شناختی‌شان با دیدگاه اسلامی بررسی شود یا انتظار توصیه‌هایی منطبق با مبانی و آموزه‌های اسلامی دارند، ضروری و مفید است (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۳).

بنابراین نظریه‌پردازی‌ها و فرضیه‌سازی‌های متناسب با فرهنگ و

جدول ۵: خلاصه یافته‌های مرور نظام‌مند

نظریه‌های فلسفی زیربنای فکری مکاتب روان‌شناسی است.	مبنایی	سوگیری	۱. کاستی‌ها
ویژگی‌های خاص فرهنگ‌ها، نتایج یافته‌های علمی را متأثر می‌کنند.	فرهنگی		
سوگیری در گزینش موضوعات و مسائل منتخب تحقیقات وجود دارد.	گزینشی		
تأثیرپذیری از الگوهای شکل گرفتهٔ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مشهود است.	سرمشقی		
محقق به یافتن شواهدی در تأیید فرضیهٔ خویش گرایش دارد.	تأییدی	خطای مبانی	
برداشت صرفاً مادی از جهان، روح، حیات و تفکر شکلی از ماده هستند.	هستی‌شناسی		
علم محصول اکتسابات تجربی و وحی فاقد اعتبار علمی است.	معرفت‌شناسی		
تک‌بعدی یا دوبعدی؟ حیوانی تکامل‌یافته یا دارای روح خدایی؟ مجبور یا مختار؟ نیک‌سرشت یا بدسرشت؟ فانی یا ابدی؟	انسان‌شناسی	ناسازگاری فرهنگی	
نظریه‌های روان‌شناسی مادی اعتقادات را تضعیف می‌کند.	تضاد در نگرش اعتقادی		
هنجارهای ساختهٔ انسان، سلامت روانی او را تأمین نمی‌کند.	الگوهای بهنجاری	روش‌مندی	
رفتار تحت‌تأثیر «تعاریف مکاتب روان‌شناسی» و «الگوهای بهنجاری» تنظیم می‌شود.	القای هویت نادرست		
نمی‌توان پدیده‌های طبیعی و انسانی را با معیاری واحد تفسیر کرد، نمی‌توان علم را در روش تجربی منحصر کرد. بسندگی به روش تجربی توان روان‌شناسی را می‌کاهد؟	روش تجربی	ناکارآمدی	
تفسیرهای فلسفی ماده‌گرایانه از یافته‌های تجربی، ماده‌گرایی را القا می‌کند.	القای ماده‌گرایی		
بحران به دلیل «نبود نظام جامع روان‌شناختی» و «ظهور رویکردهای متضاد».	بحران نظری	ارزش‌مداری	
تبیین عملکردهای روان، تعریف جامع از روان انسان ارائه نشده است.	کارکرد توصیفی		
دستورالعمل‌هایی برای تغییر در شخصیت و تأثیر در بهداشت روان، تجویزها ناقص هستند.	کارکرد تجویزی		
اعمال و تمرین‌های خاص روان‌شناختی برای رسیدن به نتایج تجویز، تکنیک‌ها موفق هستند.	کارکرد تکنیکی	فرصت‌های روان‌شناسی	
نبود تناسب بین مسائل و روش‌های روان‌شناسی با فرهنگ ملی و دینی جوامع اسلامی.	کارکرد بومی		
ارزش‌ها نباید در روان‌شناسی دخالت داده شوند.	دخالت نداشتن ارزش‌ها	معارف روان‌شناختی	
علوم انسانی نمی‌تواند عاری از ارزش‌ها شکل گیرد.	دخالت ارزش‌ها		
تأکید بر غریزهٔ جنسی و خشم در دیدگاه فروید و ...	نمونهٔ دخالت ارزش		
روان‌شناسی «نمی‌تواند» و «نباید» بدون دخالت «ارزش‌ها» شکل بگیرد.	الزام دخالت ارزش‌ها		
دخالت در مرحلهٔ ایدمپردازی، ارزیابی با معیاری همگانی در مرحلهٔ دآوری.	مقام کشف و دآوری	لزوم رویکرد واحد جامعه‌سازی اسلامی	
تغییر نگرش مردم به بیماری روان، توجه به وجوه روان‌شناختی دین.	منافع روان‌شناسی		
ظهور رویکردهای جدید تحقیقات روان‌شناسی را متأثر کرده است.	افق‌های جدید		
روان‌شناسی در مقایسه با گذشته با دید مثبت‌تری به دین نگاه می‌کند.	نگرش مثبت به دین	منافع بومی‌سازی	
از جمله «تعریف و توصیف جامع از انسان و ابعاد وجودی او»، «توصیه‌های پربرابر برای تأمین سلامت و سعادت او»، «روش‌ها و فنون مؤثر در زمینه‌های روان‌شناختی» و «پندها و دعاها».	از جمله «تعریف و توصیف جامع از انسان و ابعاد وجودی او»، «توصیه‌های پربرابر برای تأمین سلامت و سعادت او»، «روش‌ها و فنون مؤثر در زمینه‌های روان‌شناختی» و «پندها و دعاها».		
انسان یک سازمان روانی بیشتر ندارد، پس مکتبی جامع می‌تواند کلیهٔ ابعاد روانی او را تفسیر کند.	انسان یک سازمان روانی بیشتر ندارد، پس مکتبی جامع می‌تواند کلیهٔ ابعاد روانی او را تفسیر کند.		
لزوم نظریه‌پردازی روان‌شناسی اسلامی به‌منظور تحقق جامعه‌سازی اسلامی.	لزوم نظریه‌پردازی روان‌شناسی اسلامی به‌منظور تحقق جامعه‌سازی اسلامی.	منافع بومی‌سازی	
عدم تعارض باورهای فرهنگی و دانشگاهی، رشد علم بومی، کاربست یافته‌ها، تأثیرپذیری متدینین.	عدم تعارض باورهای فرهنگی و دانشگاهی، رشد علم بومی، کاربست یافته‌ها، تأثیرپذیری متدینین.		

بحث و نتیجه‌گیری

در نخستین بخش تحقیق، کاستی‌های روان‌شناسی موجود بررسی شد. وجود سوگیری در روان‌شناسی به سبب «مبنای خطا»،

«اقتضانات فرهنگی»، «سرمشق غالب یک رشتهٔ علمی»، «موضوعات و ویژهٔ مورد توجه یک محیط» و «علاقه‌های شخصی محقق» تأیید شد که نشان‌دهندهٔ عدم خلوص یافته‌های

روان‌شناسی است. در بررسی **خطای مبانی** در سه حیطة هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مشخص شد که با حذف «خدا» از هستی‌شناسی، «وحي» از معرفت‌شناسی حذف می‌شود؛ در نتیجه از دانش چیزى جز تجربه‌های انباشته شده بشرى باقى نماند و «انسان‌شناسی» تنها به آزمون و تجربه مبتنى مى‌شود و بشر در «انسان‌شناسی» به بیراهه مى‌رود که پیرو آن اشتباهات بعدى بروز مى‌کند. به سرفصل **ناسازگارى فرهنگى** اعتقادى با سه عنوان «تضاد در نگرش اعتقادى»، «ارزش‌ها و الگوهای بهنجارى» و «القائ هويت نادرست» اشاره شد، معيارهاى تعيين «الگوهاى بهنجارى» نقد و وجود «تضاد در نگرش اعتقادى» پذيرفته شد. سپس در بررسی **روشمندى** روان‌شناسى مشخص شد «روش تجربى» به‌تنهایی نمی‌تواند مسئولیت شناخت انسان را به دوش کشد، بلکه باید از «وحي»، «تعقل» و «شهود» هم بهره برد. در مورد «القائ ماده‌گرایی» توضیح داده شد که بسیاری از نتیجه‌گیری‌هایی که از یافته‌های تجربى مى‌شود، تفسيرهاى فلسفى مادگرایانه از هستى است و ارتباطى با یافته‌هاى تجربى ندارد و باید این دورا از هم جدا کرد. در «بحران نظرى» به «نبود نظام جامع» و «وجود رویکردهاى متضاد» در روان‌شناسى اشاره شد. در بررسی **ناکارآمدى** روان‌شناسى مشخص شد، روان‌شناسى در ارائه «توصیف» کاملی از انسان موفق نبوده است، بنابراین بخشى از «تجویزهايش» به دلیل عدم شناخت دقیق انسان کارآیى لازم را نداشته‌اند، اما به دلیل شناخت نسبى انسان موفقیت‌هایی در «تکنیک» کسب کرده است. در بررسی «ناکارآمدى بومى روان‌شناسى» به مصادیقى اشاره شد که گویای عدم تناسب کاربرى نظریه‌هاى روان‌شناسى به دلایل بومى بود. سپس نتیجه گرفته شد که روان‌شناسى امروز نیازمند نظریه‌ای است که بتواند توصیف دقیقى از انسان ارائه دهد و مبتنى بر آن توصیه‌هاى کاربرى را عرضه کند. در بررسی **ارزش‌مدارى** روشن شد که توصیه‌هاى ارزشى در روان‌شناسى وجود دارد و حتى روان‌شناسى با ارزش‌ها آمیخته است؛ بنابراین باید وجود ارزش‌ها در روان‌شناسى به اطلاع مردم برسد. سرآغاز بخش درونداشته‌ها توضیح **منافع روان‌شناسى** بود. روان‌شناسى توانست با تغییر نگاه سحرى، رفتار نامتعارف را

به‌عنوان بیماری روانى تثبیت کند؛ همچنین ظهور روی‌آوردهاى جدید خارج از پارادایم پوزیتویستی، نشانه‌نوعى تغییر به شمار مى‌رود و نگاه مثبت متأخر روان‌شناسى به دین نیز امیدهایی را ایجاد مى‌کند؛ همچنین ظهور روان‌شناسى، اذهان عالمان جهان اسلام را بر روی معارف روان‌شناختى دینى متمرکز کرد. این موارد نشان‌دهنده پتانسیل‌هاى مثبت روان‌شناسى است که مى‌تواند در تحقق «مکتب‌روان‌شناسى اسلامى» بهره‌بردارى شود. پس از آن به وجود معارف روان‌شناختى دینى، مبانى و منابع غنى اسلامى، تجربه‌هاى زندگى پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) و درنهایت فلسفه اسلامى اشاره شد که مى‌تواند در مقام کشف به‌منظور نظریه‌پردازى و فرضیه‌سازى مفید باشد. سپس با توجه به بحران نظرى در مورد «نبود نظام جامع روان‌شناختى» و ظهور «رویکردهاى متضاد» به لزوم تحقق رویکرد جامع و واحد اشاره شد که مى‌تواند «مکتب‌روان‌شناسى اسلامى» باشد. رویکردى واحد و معیار که توان پاسخگویی به همه جنبه‌هاى روانى انسان را داشته باشد و درنهایت گفته شد که براساس اهمیت **جامعه‌سازى اسلامى** و **منافع بومى‌سازى** مى‌بایست روان‌شناسى به‌عنوان تخصصى میان‌رشته‌ای مورد توجه ویژه قرار گیرد و به‌عنوان بخشى از یک سیستم جامع اسلامى نقش خود را در جامعه‌سازى اسلامى ایفا کند.

منابع

۱. احمدی، علی اصغر (۱۳۶۲)، فطرت بنیان روان‌شناسی اسلامی، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹)، «افق روشن روان‌شناسی اسلامی»، فرهنگ پویا، ش ۱۶، ص ۵۵-۶۲.
۴. آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۱)، «کاستی‌های دانش روان‌شناسی در ایران»، راهبرد فرهنگ، ش ۱۹، ص ۷-۲۶.
۵. اعتمادی‌نیا، مجتبی و احسان احمدی (۱۳۹۵)، روان‌شناسی با رویکرد اسلامی به جای روان‌شناسی اسلامی، تهران: کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۶. بهرامی، هادی (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۷. پسندیده، عباس (۱۳۹۴)، «روان‌شناسی اسلامی؛ اسلامیزه کردن روان‌شناسی یا تئوریزه کردن معارف اسلامی»، دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی، ش ۱، ص ۳-۸.
۸. جلالی، رستم و بهنام خالدی‌پاوه (۱۳۹۴)، متاسنتز: روش‌ها و فنون، چ ۱، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.
۹. جلالی‌تهرانی، سیدمحمد محسن (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۱۰. حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۲)، «زیربناهای نظری روان‌شناسی اسلامی، تاریخچه راه دستیاب»، فصلنامه اصول بهداشت روان، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱-۱۳.
۱۱. حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۹)، «بررسی مکتب روان‌شناسی به‌عنوان مکتب روان‌شناسی واقع‌بینانه، معیار و هماهنگ‌کننده و لزوم آشنایی دانشجویان با آن»، فصلنامه اصول بهداشت روان، ش ۵ و ۶، ص ۱-۱۰.
۱۲. خلیلی، شیوا (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۹)، مکاتب روان‌شناسی و نقد آن، ج ۲، تهران: سمت.
۱۴. دلیا، زینب (۱۳۸۳)، «روان‌شناسی و دین: ضرورت رویکردی جدید»، فصلنامه نقد و نظر، ترجمه مهدی شیری، ش ۹، ص ۳ و ۴، ص ۴۷-۶۶.
۱۵. رفقی عیسی، محمد (۱۳۸۵)، «به سوی اسلامی‌سازی روان‌شناسی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ترجمه نجیب‌الله نوری، ش ۱۲، ص ۴۸، ص ۷۷-۱۰۸.
۱۶. سرنیدی، پرویز (۱۳۷۴)، «مواردی چند از وجوه افتراق بین روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی غربی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۵۶ و ۱۵۷، ص ۹۳-۱۲۲.
۱۷. شولتس، دوان (۱۳۷۹)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران: نشر باران.
۱۸. عانی، نزار (۱۳۹۰)، کتاب‌شناسی توصیفی تحلیلی اسلام و روان‌شناسی، ترجمه و اضافات بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. غباری‌بناب، باقر (۱۳۸۹)، «ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی‌سازی روان‌شناسی در کشور جمهوری اسلامی ایران»، نقدنامه روان‌شناسی، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۰۹.
۲۰. غروی، سیدمحمد (۱۳۶۶)، «پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی»، فصلنامه نور علم، دوره ۲، ش ۱۱، ص ۵۲-۶۱.

۲۱. غروی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۲۲. غروی، سیدمحمد (۱۳۶۷)، «پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی ۲»، فصلنامه نور علم، دوره ۲، ش ۱۱، ص ۶۰-۷۳.
۲۳. غروی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، «روشنمندی و شرایط تحقیق در روان‌شناسی و خلأهای موجود در تدوین روان‌شناسی اسلامی»، ماهنامه معرفت، ش ۱۵، ص ۸۴-۸۹.
۲۴. غروی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، «بحثی پیرامون روان‌شناسی اسلامی»، ماهنامه معرفت، ص ۵۰.
۲۵. غروی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، «مصاحبه نشریه روان‌شناسی با استاد غروی»، روان‌شناسی و دین، پیش شماره، ص ۹-۲۸.
۲۶. غروی، سیدمحمد و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۵)، «مناسبات روان‌شناسی و علوم اسلامی»، فصلنامه پژوهش و حوزه، دوره ۷، ش ۲۵، ص ۱۸۵-۲۱۲.
۲۷. فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۵)، برنامه نقد و نظر با موضوع روان‌شناسی اسلامی، پخش شده در رادیو معارف جمهوری اسلامی ایران، بازنشر شده: مؤسسه نرم‌افزاری کوثر نمایندگی پخش محصولات رادیو معارف، قم.
۲۸. فرقانی، مرتضی؛ نجیب‌الله نوری، علیرضا شیخ‌شعاعی، سیدمحمد غروی، مسعود آذربایجانی (۱۳۹۶)، نگاهی به روان‌شناسی اسلامی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. کویانی، محمد (۱۳۹۷)، «دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان یک مکتب»، دوفصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی، ش ۱۲، ش ۲۳، ص ۱-۳۰.
۳۰. کلاتتری، مهرداد؛ سیداحمد احمدی و حسنعلی بختیارنصرآبادی (۱۳۸۳)، «ضرورت طرح اندیشه اسلامی در روان‌شناسی»، دوفصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، ش ۴.
۳۱. لطفی، حمید (۱۳۸۰)، «روان‌شناسی اسلامی: آیا امکان‌پذیر است؟»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۲۹، ص ۵-۳۵.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مصباح، علی و علی ابوترابی (۱۳۹۸)، «ضرورت تأسیس روان‌شناسی واحد در چارچوب رویکرد اسلامی»، روان‌شناسی و دین، س ۱۲، ش ۱، ص ۵۵-۷۲.
۳۴. منصور، محمد (۱۳۷۸)، روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری، تهران: سمت.
۳۵. نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۵)، «روش و مراحل پایه‌گذاری روان‌شناسی براساس اسلام»، فصلنامه پژوهش و حوزه، ترجمه نجیب‌الله نوری، س ۷، ش ۲۵، ص ۱۳۷-۱۶۸.
۳۶. وولف، دیوید (۱۳۸۶)، روان‌شناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد.
۳۷. هیلگارد و همکاران (۱۳۶۷)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: رشد.
۳۸. یعقوب، سلما (۱۳۸۳)، «به سوی روان‌شناسی اسلامی»، فصلنامه نقد و نظر، ترجمه مبین صالحی، س ۹، ش ۳ و ۴، ص ۱۲۱-۱۳۹.
39. Aveyard, Helen (2010), Doing a Literature Review in Health and Social Care: A Practical Guide, Open University Press, p.184.
40. Botterill, G. (1999), Philosophy of Psychology, Cambridge.
41. Bunge, M, et al, (1987), philosophy of psychology, Springer-Verlag, New York.
42. Bunge, Mario & Ruben Ardila (1987), Philosophy of Psychology, USA, Spring-Verlag.
43. Davies, P. (1983), God & New Physics, New York: Simon & Schuster.
44. Noblit GW and Hare RD (1988), Meta-ethnography, synthesizing qualitative studies, Qualitative Research Methods, volume 1.1 SAGE: London.
45. Paterson. B., thorne, S., Canam, C., Jillings, C. (2001), Metastudy of Qualitative Health Research, SAGE Publications: Thousand Oaks, California.